

مؤسسه قرآنی امام رضا (ع)، با همکاری موقوفه مدنیان، برگزار می‌کند:

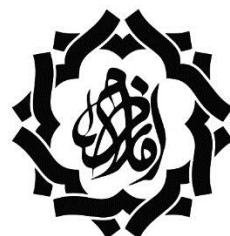
هجدهمین دوره

سلسله مسابقات مطالعات قرآنی و معارف اهل بیت علیهم السلام

خانواده در اسلام

پنجشنبه ۹ دیماه، بعد از نماز عشاء

کیانپارس، خیابان یکم شرقی، حسینیه امام رضا علیه السلام



جهت دریافت کتاب و کسب اطلاعات بیشتر به حسینیه امام رضا (ع) مراجعه نموده

و یا با شماره ۰۹۱۶۵۲۹۷۵۰۵ تماس حاصل فرمایید

و یا از طریق سایت www.Moham.org دانلود نمائید.

بر گرفته از کتاب نظام خانواده در اسلام. (حسین انصاریان)

مقام باعظمت عبادت و بندگی حق

انسان چه مرد و چه زن دارای هویتی واحد، و جوهری همسان هستند، و در پیمودن راه کمال و ظهور آثار انسانیت و رسیدن به درجات و مقامات معنویه هیچ فرقی با هم ندارند، اگر با میل باطنی و کشش فطری، و کمک گیری از عقل و نبوت و امامت و معلمان دلسوز، و مربیان واجد شرایط به قبول ربوبیت حق تن دهند، و مالکیت و تدبیر و هدایت حضرت حق را در تمام جهات زندگی بپذیرند، از افتادن در لجنزار بندگی طاغوت و هوای نفس، و دچار شدن به فرهنگ ها و مدرسه های شیطانی در امان می مانند، و از برکت مملوک بودن نسبت به مالک واقعی، به مقامات عالیه ملکوتیه و عرشیه خواهند رسید.

مرد و زن در خلقت ظاهری و باطنی خود تجلی رحمانیت و رحیمیت و ربوبیت حضرت حقند، این واقعیتی است که از صریح آیات الهی استفاده می شود، و جای انکار و ایراد، و شک و تردید ندارد.

زن انسان است، زن دارای استعداد و قوای معنویست، زن در منطق وحی هویت و جوهری یکسان با مرد دارد.

زن رحمت الهی است، زن جلوه ربوبیت حق است، تحقیر او، حمله به او، پایمال کردن حقوق او، سرپیچی از حفظ برنامه های به حق او، ضعیف شمردن او در دایره انسانیت، بی مورد طلاق دادن او، فرق گذاشتن بین او و پسر، همه و همه آثار شوم مدعیان مالکیت بر بشر، و فرعون های تاریخ، و فرهنگ های سلطه گر و ستم پیشه و ظالم و بیدادگر است.

در ایتالیا وقتی مرد خانه دختردار می شد از خوشحالی در پوست نمی گنجید، زیرا شیئی به اشیاش اضافه شده بود و پس از سیزده یا چهارده سال او را به بازار برده و می فروخت و قیمتش را صرف مخارج روزانه زندگی می کرد!

گاهی که در ایتالیا از دست زن خشمگین می شدند او را در دیگ جوشانی از روغن زیتون می انداختند تا نابود شود.

از او به عنوان خدمتکار، کلفت، کنیز، کالای شهوت استفاده می کردند، و هنوز هم در فرهنگ بشری از بسیاری از حقوق حقه اش محروم است.

ولی در آئین حق و در منطق وحی، زن موجودی والا، منبعی از مایه های معنوی، جهانی از استعدادها، و نیروئی الهی است.

زن اگر قدر خود را بشناسد ، و موقعیت انسانی خویش را حفظ کند ، و از تعالیم عالیہ اسلام برای رشد و تربیت خود بهره بگیرد در حدّ توان خویش ، مریمی پاک ، و خدیجه ای باکرامت و زینبی شایسته ، و مقامی در خور حریم حضرت حق خواهد شد ، و گرنه مانند مردانی که راه ناسپاسی سپردند ، و به نعمتهای حق کافر شدند ، و سر از هدایت پروردگار پیچیدند دچار خزی دنیا و آخرت و لعنت ابد حق خواهند شد .

زن در منطق وحی

در تفسیر باعظمت مجمع البیان آمده: زمانی که اسماء بنت عمیس همراه شوهر بزرگوارش جعفر بی ابیطالب از مهاجرت حبشه که هجرتی الهی و محض حفظ دین بود بازگشت ، به دیدار زنان پیامبر آمد و به آنان گفت: آیا در قرآن در رابطه با ما زنان چیزی هست ؟ گفتند: نه! به محضر رسول الهی شتافت و عرضه داشت یا رسول الله زنان در ناامیدی و خسارتند ، پیامبر فرمود از چه نظر ؟ عرضه داشت چنانکه از مردان ذکر خیر شده از زنان نشده ، خداوند مهربان این آیه را نازل فرمود:

ان المسلمین و المسلمات و المؤمنین و المؤمنات ، و القانتین و القانتات ، و الصادقین و الصادقات ، و الصابرین و الصابرات و الخاشعین و الخاشعات و المتصدقین و المتصدقات و الصائمین و الصائمات و الحافظین فروعهم و الحافظات و الذاکرین الله کثیراً و الذاکرات اعد الله لهم مغفرةً و اجراً عظیماً .

در صریح این آیه شریفه هست که زنان نیز مانند مردان می توانند به ده مقام عالی و ملکوتی و معنوی برسند ، و از این طریق مغفرت حق و اجر عظیم کسب کنند ، مقامات عبارت است از: ۱- مقام اسلام ۲- مقام ایمان ۳- مقام طاعت و فرمانبرداری ۴- مقام صدق ۵- مقام صبر و پایداری در برابر تمام حوادث ۶- مقام فروتنی و خوف از عظمت و عقاب حق ۷- مقام کرم و جود که ثمره آن صدقه است ۸- مقام روزه و صوم ۹- مقام ضبط نفس و مالکیت بر شهوات ۱۰- مقام یاد و ذکر حق .

اسماء بنت یزید انصاری خدمت رسول حق رسید، در حالی که حضرت در جمع صحابه بودند، عرضه داشت پدر و مادرم فدایت من از جانب زنان بسوی تو آمده ام، آگاه باش جانم به قربانت هیچ زنی در شرق و غرب نیست جز این که عقیده و رأیش با من یکی است، خداوند ترا به سوی مردان و زنان مبعوث به رسالت کرد، ما به تو و به حضرت حق ایمان آوردیم، اما جنس زنان بسیار مقید و در حصار خانه محبوس و دارای کمبودند، در طریق ارضای شهوات مرد خود تسلیم اند، و مدت زمانی حامله به اولاد، ولی شما مردان به نماز جمعه و جماعت، و عیادت بیماران، و تشییع جنازه، و زیارت حج به طور مکرر، و از همه مهم تر جهاد فی سبیل الله بر زنان برتری دارید، مرد برای حج و عمره یا پاسداری از مرز می رود، ما زنان حافظ اموال، و خیاط لباسها، و مربی فرزندان مردان خودیم، ما در چه اجر و مزد و بهره و منفعتی با مردان شریک هستیم

رسول خدا رو به یاران کرد ، فرمود:

گفتاری نیکوتر از گفتار این زن در مسائل دینش شنیده اید ؟ گفتند گمان نمی بردیم زنی به چنین واقعیاتی رسیده باشد ، حضرت رو به جانب وی کرد و فرمود:

برو و تمام زنان دیگر را خبر کن نیکو شوهرداری ، و طلب خوشنودی و رضایت همسر ، و موافقت با شوهر در امور زندگی صحیح ، برابر تمام آن بهره هائی است که از آن همه اعمال نصیب مردان می شود!!
زن از مجلس پیامبر بیرون آمد در حالی که از شدت شادی تهلیل و تکبیر حق بر زبان داشت .

امام هشتم از پدران او رسول خدا روایت می کند:

مَثَلُ الْمُؤْمِنِ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ مَلِكٍ مُقَرَّبٍ ، وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَكْبَرُ مِنَ الْمَلِكِ ، وَ لَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ مُؤْمِنٍ تَائِبٍ أَوْ مُؤْمِنَةٍ تَائِبَةٍ .

انسان مؤمن در پیشگاه حق همچون ملک مقرب است ، و قطعاً مؤمن نزد حق بزرگتر از ملک است ، چیزی به سوی حق محبوبتر از مؤمن توبه کننده و زن مؤمنه تائبه نیست.

عقل و شهوت ملاک سعادت و شقاوت

آن نیروئی که موجب درک حقایق ، و پذیرش واقعیات ، و طراح سعادت و سلامت ، و مدبّر امور مثبت در حیات انسان می باشد عقل است.

در روایات اهل بیت به نقل اصول کافی در باب عقل ، از این گوهر بالارزش تعبیر به پیامبر باطن شده! شهوت به طور طبیعی نعمت حق و موجب لذت بری از حیات مادی ، و باعث حرکت و کار و کوشش و فعالیت انسان در جهت زندگی دنیائی و گاهی آخرتی است.

شهوت اگر مقید به نور عقل ، و دنباله رو برای این چراغ پرفروغ معنوی باشد ، فضای زندگی فضائی سالم ، و عرصه گاه حیات سفره رحمت حق ، و وجود آدمی مصداق انسانیت ، و ارزشش از ارزش ملائکه برتر!!

عقل اگر در زندان شهوت اسیر شود ، و از پخش نور خود ممنوع و محروم گردد ، کارگردان حیات آدمی شهوت بی قید و شرط ، و خواسته های بی محاسبه شود ، و چشم باطن و ظاهر از پی شهوت ، جز امور مادی نبیند ، و ملاک حیات انسان شکم و غریزه جنسی گردد ، آثار انسانیت محو ، و آدمی بدتر از حیوانات و بهائم شود.

عبدالله بن سنان می گوید از حضرت صادق (علیه السلام) پرسیدم: ملائکه بالاترند یا بنی آدم ؟ حضرت پاسخ داد امیرالمؤمنین فرمود:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ رَكَّبَ فِي الْمَلَائِكَةِ عَقْلًا بِلا شَهْوَةٍ ، وَ رَكَّبَ فِي الْبَهَائِمِ شَهْوَةً بِلا عَقْلٍ ، وَ رَكَّبَ فِي بَنِي آدَمَ كِلْتَيْهِمَا ، فَمَنْ غَلَبَ عَقْلُهُ شَهْوَتَهُ فَهُوَ خَيْرٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ .

خداوند عز و جل در ملائکه عقل بدون شهوت قرار داد ، و در چهارپایان شهوت بدون عقل گذاشت ، و در بنی آدم عقل و شهوت مقرر داشت ، پس کسی که عقلش بر شهوتش غالب آید بهتر از ملائکه ، و هر آنکس شهوتش بر عقلش غلبه کند بدتر از حیوانات است.

این حقیقت اگر در جنس زن همانند مرد تجلی کند بدون تردید ارزش و قیمت و کرامتش بیش از ملائکه خواهد شد ، و اگر این موجود از عقل دوراندیش ، و پیامبر باطن ، و نور درون چشم بپوشد ، و همت خود را زر و زیور ، و عشوه و ناز و آرایش و شهوت ، و جلوه و خودنمایی در برابر دیگران ، و بیگانه از خدا زیستن قرار دهد همچون مردان فاسد و کافر و ناسپاس از حیوانات بدتر است.

حدیثی عجیب از شب معراج در رابطه با زنان

حضرت عبدالعظیم حسنی که از اعظم علمای طایفه حقه ، و از رجال بزرگ شیعه ، و از راویان معتبر اسلامی است ، و به فرموده حضرت هادی(علیه السلام) ثواب زیارتش همانند ثواب زیارت حضرت حسین(علیه السلام) است ، از حضرت جواد ، و حضرت جواد از پدران معصومش از امیرالمؤمنین نقل می کند که حضرت فرمود من و فاطمه زهرا نزد پیامبر رفتیم ، او را در گریه شدید دیدیم ، عرضه داشتم پدر و مادرم به فدایت سبب گریه شما چیست ؟ فرمود: شبی که مرا به معراج بردند زنانی از زنان امتم را در عذاب شدید دیدم ، از دیدن عذاب شدید آنان به گریه افتادم.

زنی را دیدم که وی را با موی جلوی سر به دیوار جهنم آویخته بودند ، و مغزش از شدت عذاب می جوشید زنی را دیدم که با زبانش به دیوار جهنم وصل بود ، و از داغ ترین و بدترین ماده جهنم در دهان و حلقش می ریختند.

زنی را دیدم که او را با سینه اش به دیوار جهنم چسبانده بودند.

زنی را دیدم که با دو پایش در جهنم آویزان بود.

زنی را دیدم که گوشت بدن خودش را می خورد و آتش از زیر گوشتهایش بیرون می زد.

زنی را دیدم که دست و پایش را بسته بودند ، و تعداد زیادی مار و عقرب به او حمله کرده ، اما چون دست و پایش آزاد نبود نمی توانست فرار کند و هیچگونه قدرتی برای دفاع از خود نداشت.

زنی را دیدم که کور و کر و لال بود ، او را در یک تابوت پر از آتش گذاشته بودند ، و از تمام بدنش گوشت و پوست همانند آدم گرفتار جذام تکه تکه می ریخت.

زنی را دیدم که صورت و بدنش آتش گرفته ، و او را وادار می کردند هرچه در شکم دارد با پنجه هایش بیرون آورده بخورد.

زنی را دیدم که سرش سرخو و بدنش بدن خر ، و دچار یک میلیون رشته عذاب بود.

زنی را دیدم صورتش همانند سگ ، آتش از پشتش وارد و از دهانش خارج می شد ، ملائکه عذاب ، سر و بدنش را با ابزار جهنم می کوبیدند.

حضرت زهرا(علیها السلام) عرضه داشت محبوب من ، ونور چشمم به من خبر بده عمل و روش آنان در دنیا چه بوده که باید دچار چنین عذابهای شدید و سختی شوند.

حضرت فرمود: آن زنی که به موی سر به دیوار جهنم بسته بود زنی است که موی جلوی سر خود را از نامحرم حفظ نمی کرد.

زنی که با زبان به دیوار جهنم وصل بود زنی است که شوهرش از نیش زبان او امان نداشت.

زنی که به دو طرف سینه اش به دیوار جهنم چسبانده شده بود ، زنی است که در مسئله جنسی از شوهر خود تمکین نمی کرد ، و او را برای ارضاء این غریزه طبیعی راه نمی داد.

زنی که با دو پایش در جهنم آویزان بود ، زنی است که بدون اجازه شوهرش هر کجا می خواست می رفت.

زنی که گوشت بدن خودش را می خورد و آتش از زیر گوشتها بیرون می زد ، زنی است که برای غیر شوهر آرایش می کرد ، و آرایش خود را در معرض دید مردان نامحرم قرار می داد.

زنی که دست و پایش را بسته ، و در معرض حمله مار و عقرب بود ، زنی است که نماز را سبک می شمرد ، و از نجاست و جنابت و حیض تطهیر و غسل نمی کرد.

زنی که کر و کور و لال بود زنی است که با غیر شوهر همبستر شده بود و اولاد آورده ، ولی فرزند را به گردن شوهر خود انداخته بود.

زنی که با قیچی آتشین گوشت او را می بریدند ، زنی است که خود را در اختیار مردان بیگانه می گذاشت.

زنی که صورت و بدنش آتش گرفته ، و او را وادار می کردند هر چه در شکم دارد بخورد زنی است که واسطه فحشا و منکرات بود ، و زنان را برای شهوترانی در اختیار مردان می گذاشت.

زنی که سرش سرخو و بدنش بدن خر و دچار یک میلیون رشته عذاب بود ، زنی است که دو به هم زنی می کرده و در دروغگوئی و کذب غرق بوده.

زنی که همانند سگ بود و آتش از پشتش وارد و از دهانش خارج می شد زنی بود خواننده مجالس عیش و عشرت و آلوده به بیماری حسادت!

در هر صورت زن بنا بر منطق وحی می تواند به اعلا درجات و مقامات معنویه برسد و مریم گونه شود ، و در صورت بی توجهی به آئین حق و شخصیت انسانی خود راه به اسفل درکات برده و از بهائم پست تر می گردد ، دو مرحله ای که برای تمام مردان مقرر است.

(یرید الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر). « بقره / ۱۸۵ »

مشکلات و موانع راه ازدواج

سختگیری در مسئله ازدواج

نیاز پسر و دختر به ازدواج نیازی طبیعی ، و احتیاجی ذاتی است ، خودداری طولانی از هجوم غریزه شهوت برای پسر و دختر امری مشکل به نظر می رسد.

گاهی طول زمان موجب فساد و افساد ، و تباه شدن نیازمند به ازدواج شده است . گاهی سرکشی غرائز باعث افتادن افراد در منجلاب گناه و معصیت شده است. گاهی جلوگیری از ازدواج برای پسران و دختران درد سر آفریده ، و آنان را به امراض مختلفی دچار کرده است. گاهی ولع به ازدواج و از طرفی موانع راه آن عشق و عاشقی به بار آورده ، و دامن های پاک را آلوده نموده، و جوانانی که سرمایه یک مملکت هستند تا خودکشی پیش برده.

بعضی از پدران و مادران فرزندان در سن ازدواج را اگر پیشنهاد ازدواج کنند بچه می دانند ، و اعلام نیاز آنان را به تشکیل زندگی حاصل بی حیائی و پروئی به حساب می آورند، و در این زمینه به فرزندان خود هجوم برده، آنان را سرزنش و تحقیر می کنند، و به صورتی با آنان برخورد می نمایند که آنان سرخورده می شوند ، و اگر از ایمان قوی برخوردار نباشند ، خود را مجبور به حرکت در کژ راه می بینند.

بعضی از پدران و مادران به خانواده عروس یا داماد ، مسائلی را پیشنهاد می نمایند که تحقق دادن آن برای طرف مقابلشان بسیار سخت یا غیرممکن است ، و آنچنان در پیشنهادهای خود پافشاری می کنند که زمان ازدواج دختر و پسر می گذرد ، و گلهای باغ انسانیت پرپر می شود.

گاهی پسری به خواستگاری دختری می رود ، ولی با تلخی و بداخلاقی خانواده عروس روبرو می شود و از ازدواج با دختر پشیمان می گردد ، در این صورت دختر خانه نشین می شود و به او لطمه وارد می گردد ، و از سن ازدواج می گذرد ، و چنین مسئله ای هم ممکن است از خانواده پسر رخ بنماید.

گاهی دختران و پسران بر اثر محدود بودن در تصمیم ، و دچار بودن به فضای پدر شاهی یا مادر شاهی تن به ازدواج نمی دهند، و از این طریق دچار خسارت می گردند.

و گاهی خود دختر و پسر به خاطر پیشنهادهای سنگین به طرف مقابل مانع تحقق ازدواج می شوند.

اسلام عزیز این سختگیریه را خلاف انصاف و مروّت ، و جدای از اخلاق انسانیت ، و امری غیرخدائی و غیرشرعی می داند. اسلام به سختگیران هشدار می دهد ، که عواقب این برنامه در دنیا و آخرت دامن شما را خواهد گرفت.

اسلام می گوید خداوند مهربان با آنان که در همه امور آسان می گیرند آسان می گیرد، و با آنان که سختگیر هستند سخت خواهد گرفت.

سختگیری در این مسئله ، جنگیدن با غرائز و شهوات و آمال و آرزوهای طبیعی و انسانی دختران و پسران است ، و بر حضرت حق است که با سختگیران به سختی برخورد کند ، و آنان را از لطف و محبت خود محروم سازد.

حماد بن عثمان می گوید ، مردی خدمت حضرت صادق(علیه السلام) از شخصی شکایت کرد ، زمانی نگذشت که شکایت شده از راه رسید ، امام ششم فرمود: شکایت فلانی از تو برای چیست ؟ عرضه داشت به من بدهکار است و من ایستاده ام تا دینار آخر آن را از او بگیرم ، حضرت صورت نشستن خود را عوض کرد و به خشم آمد و فرمود: تصور کردی تا دینار آخر را از او بگیری بد نمی شود ، گفتار حق را در قرآن مجید نخوانده ای ؟

يَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ .

می ترسند بدی حساب را.

خیال کردی سوء حساب به معنای ظلم و جور از جانب حق به عبد است!

نه به خدا قسم.

مَا خَافُوا إِلَّا الْإِسْتِقْصَاءَ .

نمی ترسند مگر تا آخرین ذره عمل را به حساب کشیدن.

بدان ای مرد:

فَمَنْ اسْتَقْصَى فَقَدْ أَسَاءَ .

آنکه در حساب اینگونه سخت گیری کند کار بدی انجام داده است.

پدران و مادران ، پسران و دختران از سخت گیری ، بخصوص در امر ازدواج بترسید ، و از این امر غیرانسانی پرهیزید ، راه ازدواج را هموار کنید ، و شرایط آن را آسان بگیرید ، و با شوهر دادن دختر با شرایطی سهل و آسان ، و زن دادن به پسر با برنامه ای معمولی از گسترش بستر فساد ، و سفره گناه جلوگیری کنید.

وجود خود را میزان بین خود و دیگران قرار بدهید

پدران و مادران باید به این معنا توجه کنند ، که روزی خود آنان جوان بودند ، و در آتش اشتیاق زن گرفتن ، و شوهر کردن می سوختند.

آرزو داشتند هر چه زودتر پدر و مادرشان وسیله ازدواج آنان را فراهم کنند ، و بدون سختگیری و تحمیل شرایط سخت سفره ازدواج آنان را در فضائی باصفا و چهارچوبی غرق عشق و محبت پهن نمایند ، و اگر ملاحظه می کردند پدر یا مادرشان ، نسبت به این مسئله وارد برنامه هائی می شدند ، که این سنت پاک الهی را به تأخیر می انداخت ، یا در راه آن ایجاد دست انداز می کرد ، یا وضع پدر و مادرشان مانع تراشی بوجود می آورد ، سخت آشفته می شدند ، و حالات درونی آنان به هم می خورد ، و نسبت به پدر و مادر خویش بدبین و در نهایت کینه دار می شدند.

امروز که می خواهند پسر زن بدهند و یا دختر به خانه بخت بفرستند خود را به جای فرزند خود به حساب آورند ، و آمال و آرزوی وی را ، و طغیان آتش شهوت او را ، و عشق آتشینش را به تشکیل زندگی جدید لحاظ کنند ، باشد که خود را به جای او حساب کردن موجب دست برداشتن از سختگیری شود ، و زمینه زن گرفتن پسر یا شوهر کردن دختر به آسانی و سهولت فراهم آید.

وجود مبارک امیرالمؤمنین(علیه السلام) در روایتی بسیار مهم به این مسئله فوق العاده باارزش که خود را میزان بین خود و دیگران قرار بده بدین صورت اشاره فرموده:

اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ غَيْرِكَ ، وَ أَحِبَّ لِغَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ ، وَ اكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا ، لَا تَظْلِمُ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ ، وَ أَحْسِنُ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ ، وَ اسْتَفْبِحْ لِنَفْسِكَ مَا تَسْتَفْبِحُهُ مِنْ غَيْرِكَ ، وَ ارْضَ مِنَ النَّاسِ مَا تَرْضَى لَهُمْ مِنْكَ .

وجود خود را برای توجه به واقعیات زندگی و درک بیشتر از مسائل انسانی میزان بین خود و غیر خود قرار بده ، و دوست داشته باش برای دیگران آنچه را برای خود دوست داری ، و کراهت داشته باش برای غیر خود ، آنچه را برای خود کراهت داری ، به دیگران در هیچ زمینه ای ستم روا مدار ، چنانکه دوست نداری به تو ستم شود ، و به همه مردم نیکی کن ، چنانکه دوست داری به تو نیکی کنند ، برای خود قبیح بدان آنچه را از دیگران قبیح می دانی ، از مردم خوشنود باش ، آنچه را که از خود نسبت به آنان خوشنود هستی

حضرت مجتبی (علیه السلام) فرموده:

صاحبِ النَّاسِ مِثْلَ مَا تُحِبُّ أَنْ يُصَاحِبُوكَ بِهِ .

با مردم به گونه ای زندگی کن ، که دوست داری با تو زندگی کنند.

این است خواسته بر حق اسلام از تمام مردم ، این است دستورات ثمر بخش دین ، این است آن روشی که زندگی را با دیگران آسان می نماید ، و از هجوم گناه به دایره حیات جلوگیری می کند ، و برنامه زندگی را از نور و صفا و عشق و وفا ، و سلامت و صمیمیت ، و سادگی و آسانی پر کرده و شیرین می نماید.

پدران و مادران آنچه را در مسئله ازدواج در روزگار جوانی برای خود دوست داشتید ، و آن عبارت بود از اینکه با خانواده ای هم شأن خود ازدواج کنید ، در برنامه ازدواج ، هر دو خانواده از شرایط سنگین و غیر قابل تحمل بپرهیزند ، هرچه زودتر زمینه ازدواج را فراهم آورند ، از مخارج کمرشکن دوری کنند، از حرف و نقل زیاد کناره گیری نمایند ، امروز همان را برای فرزند خود دوست داشته باشید.

وسیله شدن برای ازدواج ، در پیشگاه حق ثواب بسیار دارد ، شما ای پدران و مادران زودتر از دیگران برای فرزندان خود وسیله ازدواج شوید ، و این راه را تا آخر با عشق و محبت و شیرینی و کرامت طی کنید.

رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

مَنْ عَمِلَ فِي تَزْوِيجِ بَيْنِ الْمُؤْمِنِينَ حَتَّى يَجْمَعَ اللَّهُ بَيْنَهُمَا زَوْجَهُ اللَّهُ أَلْفَ إِمْرَأَةٍ مِنَ الْخُورِ الْعَيْنِ وَ كَانَ لَهُ بِكُلِّ خَطْوَةٍ خَطَايَا أَوْ بِكُلِّ كَلِمَةٍ تَكَلَّمَ بِهَا فِي ذَلِكَ عَمَلٌ سَنَةٌ .

هر کس در فراهم آوردن زمینه ازدواج پسران و دختران اهل ایمان زحمت بکشد ، تا خداوند مهربان آنها را به یکدیگر برساند ، مزدش هزار حوریه بهشتی است ، و برای هر قدمی که برداشته یا هر کلمه ای که در این زمینه گفته ثواب یک سال عبادت است.

آنان که در امر ازدواج سختگیری می کنند ، با اینکه می توانند به آسانی و سادگی زمینه تحقق آن را فراهم کنند، خود را از چه ثواب عظیمی نزد حق محروم می کنند؟ اینان جواب فرزندان خود را اگر دچار فساد شوند ، یا ضربه فکری و بدنی به آنان وارد شود ، یا دچار اختلال روحی گردند ، در دادگاه عدل الهی در صحنه وحشتناک محشر چه خواهند داد؟!

موسی بن جعفر(علیه السلام) از طریق نامه ای از عمّه بزرگوار خود درخواست کردند، فلان مالی که داری برای کمک به مهریه عیال محمد بن جعفر بفرست، چون نامه را به آن زن باکرامت دادند، بدون فاصله به این مسئله اقدام کرد، متن نامه چنین بود:

خداوند را در قیامت سایه ای است که از آن جز پیامبر، یا وصیّ پیامبر، یا کسی که برده مؤمنی را آزاد کند، یا قرض مؤمنی را ادا نماید، یا مؤمن بی زنی را زن دهد بهره مند نگردد .

امیرالمؤمنین(علیه السلام) فرمود:

... وَ أَكْبَرُ الْخَطَايَا إِفْتِطَاعُ مَالِ امْرِئٍ مُسْلِمٍ ، وَ أَفْضَلُ الشَّفَاعَاتِ مَنْ تَشَفَّعَ بَيْنَ اثْنَيْنِ فِي نِكَاحٍ حَتَّى يَجْمَعَ اللَّهُ شَمْلَهُمَا .

و بزرگترین گناه تجاوز به مال مسلمان است ، و برترین میانجیگری وساطت در امر ازدواج است .

امام صادق(علیه السلام) فرمود:

مَنْ زَوَّجَ عَزَبًا كَانَ مِمَّنْ يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ .

هر کس بی زنی را زن دهد ، از آنانی است که خداوند در روز قیامت به او به دیده لطف و رحمت نظر می کند .

و نیز آن حضرت فرمود:

أَرْبَعَةٌ يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: مَنْ أَقَالَ نَادِمًا ، أَوْ أَغَاثَ لَهْفَانًا ، أَوْ أَعْتَقَ نَسَمَةً ، أَوْ زَوَّجَ عَزَبًا .

خداوند به چهار نفر در قیامت نظر لطف می اندازد ، کاسبی که جنس پس آورده را قبول کند ، آنکه غمی را از دلی بزدايد ، کسی که بنده ای را آزاد کند ، و آنکه انسان بی زنی را زن دهد .

رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

هر کس قرار ازدواجی را بهم بزند ، و زن و مردی را از هم جدا کند ، در دنیا و آخرت دچار غضب و لعنت خدا شود ، و بر حضرت حق است که هزار سنگ آتشین بر سر او ببارد ، و هر کس در جدائی بین مرد و زنی بکوشد ولی به ثمر نرسد ، دنیا و آخرت دچار خشم و لعنت حق شود ، و دیدار رحمت حق بر او حرام گردد .

ای کاش تمام پدران و مادران از این معانی خبر داشتند ، تا با عمل به این واقعیات از ثواب عظیم الهی بهره مند می شدند ، و ای کاش خبرداران از این مسائل از عمل به این دستورات پرهیز می کردند ، تا در قیامت دچار خشم و لعنت و عذاب ابد حق نشوند .

با توجه به این مطالب نسبت به فرزند خود چه دختر چه پسر در امر ازدواج تواضع کنید ، و تواضع به این است که فقط فرزند خود را که در قله آمال و آرزوها و شهوات طبیعی است لحاظ کنید نه حالات و اخلاق و عادات و رسوم خود را ، و در شرایطی که اعلام می کنید آسان بگیرید و توقعات خود را از طرف مقابل به حد آقل برسانید ، تا ازدواجی بابرکت صورت بگیرد ، و دوامش تضمین شود ، و پسر و دختر هم پس از ازدواج بتوانند به راحتی در کنار یکدیگر زندگی کنند .

مسئله شیطانی چشم همچشمی

از عادات زشت بعضی از افراد به قول معروف چشم همچشمی است ، به این معنا که فرد یا خانواده وضعیت بالای مادی اقوام یا همسایگان یا دیگران را ملاک قرار می دهد، و به دست و پا می افتد که بهر صورت که شده خود را همپراز آنان قرار دهد.

دختر چشم به امور مادی دختران اقوام می دوزد، و به آرزو می افتد که همسر آینده اش، و مجالس عقد و عروسیش همانند فلان دختر باشد ، و به همین خاطر در عدم قبول مراجعه کنندگان مناسب حالش که در آن سطح بالای از مادیت و ثروت نیستند اصرار میورزد ، و آن قدر زمان را در عدم قبول ازدواج طولانی می کند که از سن مناسب ازدواج بگذرد ، آن زمان است که خود را مجبور می بیند تن به ازدواج با فردی مسن ، یا مردی زن مرده بدهد ، یا بهتر می بیند که در خانه بماند تا به عمرش خاتمه داده شود ، بر فرض اگر هم شوهر کند از نشاط جوانی ، و شور روحی محروم است ، نه برای او حوصله شوهرداری وجود دارد ، و نه توان بچه داری و تربیت اولاد ، این چشم همچشمی از موانع راه ازدواج ، و صفتی شیطانی و عادت زشت است.

قرآن مجید در سوره حجر آیه ۸۸ و سوره طه آیه ۱۳۱ از چشم دوختن به دنیای دنیا داران ، و ثروت ثروتمندان منع فرموده ، و در روایات ائمه طاهرین آمده ، آنان که دائم دیده به دنیای دیگران دارند ، و در آرزوی رسیدن به آنان هستند ، وجودشان دچار حسرت فراوان و اندوه بی پایان است.

ازدواج باید همراه با نیت خالص ، و برای خدا باشد ، و هدف از آن باید اجرای سنت پیامبر ، و تحصیل اولاد صالح ، و تشکیل زندگی پاک در سایه لطف و رحمت حق باشد.

اگر ازدواج بر این پایه ها قرار بگیرد بنائی استوار و محکم بپا خواهد شد ، و برکات حضرت حق در فضای این ازدواج جلوه گر شده ثمرات معنوی به بار خواهد آمد.

چون مقدمات ازدواج فراهم شد اطرافیان باید مواظبت کنند این برنامه تحقق پیدا کند ، و سعی نمایند از دخالت های نابجا در این امر الهی پرهیز کنند ، و از خود شیرینی ، و قضاوت غیر عادلانه ، و بیان تفرقه انگیز ، و سست کننده مسئله ازدواج جداً خودداری کنند.

مهریه های سنگین

مسئله مهر در اسلام مسئله بسیار مهم ، ظریف ، دقیق و قابل توجه است ، اسلام بر مهریه های سبک اصرار دارد ، و از مهریه های سنگین متنفر است . از طرفی آنچه دارای ارزش و قیمت باشد چه مال و چه عمل می تواند مهریه و صدق زن قرار بگیرد.

باغ ، مغازه ، زمین ، ساختمان ، پول نقد ، آموختن علم و امثال اینها می تواند صدق زن باشد.

روایات مهمی پس از آیات کتاب حق از رسول حق و امامان معصوم در معتبرترین کتابها وارد شده ، به قسمتی از این روایات توجه نمائید ، روایاتی که پافشاری دارد مهر را سبک بگیرید ، و از صداق سنگین بپرهیزید ، زیرا مهر سنگین باعث روگردانی جوانان از ازدواج و ماندن دختران در خانه هاست.

رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

أَفْضَلُ نِسَاءِ أُمَّتِي أَصْبَحُهُنَّ وَجْهًا وَأَقْلَهُنَّ مَهْرًا.

برترین زنان امت من زنی است که زیبائیش بیشتر و صداقش کمتر باشد.

امیرالمؤمنین(علیه السلام) می فرماید:

لَا تُغَالُوا بِمَهْرِ النِّسَاءِ فَتَكُونَ عَدَاوَةً. مهرها را زیاد نگیرید که مایه دشمنی است.

آری وقتی جوانی به خواستگاری دختری از اقوام ، یا همسایگان ، یا افراد دیگر می رود و با صداق سنگین و غیر قابل تحمل روبرو می شود ، و خود را در ازدواج ناکام و شکست خورده می بیند ، موجب کینه دار شدن نسبت به دختر و خانواده دختر می شود، و از خود ناامید شده خدای ناکرده به فساد روی می آورد ، عمر را هدر می دهد ، و به جوانی و نشاطش خسارت غیر قابل جبران وارد می گردد.

حضرت صادق(علیه السلام) فرمود:

مِنْ بَرَكَهِ الْمَرْأَةِ خِفَّةُ مُؤَنَّتِهَا وَ تَيْسِيرُ وِلَادَتِهَا وَ مِنْ شَوْمِهَا شِدَّةُ مُؤَنَّتِهَا وَ تَعْسِيرُ وِلَادَتِهَا . کم خرجی و آسان زائی از برکت زن ، و سنگینی مخارج و هزینه و دشوار زائی از شومی اوست

رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

لَا تُغَالُوا بِمَهْرِ النِّسَاءِ فَإِنَّمَا هِيَ سَقِيَا اللَّهُ سُبْحَانَهُ .

مهرها را سنگین نگیرید ، مهر و محبت را باید خداوند مهربان فراهم آورد ، پول و مال عشق و محبت نمی آورد.

رسول حق به زنی بنام حولا فرمود: يَا حَوْلَا وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا وَ رَسُولًا ، مَا مِنْ امْرَأَةٍ ثَقَلَتْ عَلَى رَوْجِهَا الْمَهْرَ إِلَّا أَثْقَلَ اللَّهُ عَلَيْهَا سَلْسِلَ مَنْ نَارِ .

ای حولا به آن خدائی که مرا بر حق به پیامبری و رسالت مبعوث کرد ، زنی نیست که مهر سنگین بر عهده شوهرش بگذارد ، مگر اینکه خداوند زنجیرهای آتش بر گردن او گذارد!!

مهر سنگین باعث فرار جوانان از ازدواج و افتادن آنان در معصیت و گناه است ، و خواهنده مهر سنگین در انحراف جوانان سهیم و از این جهت مستحق عذاب الهی است.

قرآن مهر واقعی ازدواج می شود

حضرت باقر(علیه السلام) فرمود: زنی خدمت رسول حق آمد و عرضه داشت مرا شوهر دهید ، حضرت فرمود: کدامیک از شما حاضران او را به زنی قبول می کند.

مردی برخاست و گفت: من ، فرمود: بابت مهرش چه می دهی ؟ گفت: چیزی ندارم ، فرمود: بدون صداق نمی شود ، باز حضرت پیشنهاد خود را تکرار کرد و کسی غیر از آن مرد پاسخ نگفت ، تا مرتبه سوم به داوطلب فرمود: چیزی از قرآن می دانی ؟ عرضه داشت: آری . فرمود: این زن را در برابر تعلیم هر مقدار از قرآن که می دانی به همسری تو درآوردم.

حضرت رضا(علیه السلام) فرمود:

أَيُّمَا مُؤْمِنٍ خَطَبَ إِلَىٰ أَخِيهِ حُرْمَةً وَبَدَلَ لَهُ خَمْسِمِائَ دِرْهَمٍ فَلَمْ يُزَوِّجْهُ فَقَدْ عَقَّبَهُ وَاسْتَحَقَّ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ
أَلَّا يُزَوِّجَهُ حَوْرَاءَ .

هرگاه مؤمنی از خانواده برادر مؤمنش خواستگاری کند و پانصد درهم جهت صداق بپردازد و او بر اثر کمی مهر نپذیرد بر او ستم کرده و سزاوار است خداوند او را از حور العین محروم کند.

می گویند ام سلیم که از زنان صدر اول اسلام بود و از خانواده ای اصیل و ریشه دار ، مهر خود را مسلمان شدن جوانی که به خواستگاریش آمده بود قرار داد ، همان زنی که شوهر خود را در مرگ فرزند تسلیت داد و نگذاشت جزع و فزع کند و خداوند به جزای آن صبر و مقاومت فرزندی به او عنایت کرد که از دوستان و موالیان حضرت مولی الموحدین شد.

دختران باکرامت باید متوجه باشند اگر هم کفوی به خواستگاری آنان آمد ، و خانواده در مسئله ازدواج و بخصوص صداق و مهر سختگیری کرد ، با کمال ادب و وقار در برابر خانواده بایستد ، و از طریق بیان معارف حقّه از سخت گیری آنان جلوگیری نمایند ، که کم توقعی از اخلاق انبیا و اولیاء و صفتی فوق العاده ممتاز و عالی است.

رسول حق در ازدواج دختر بزرگوارش که سیده زنان تمام جهان است با علی(علیه السلام) مهر و صداق را مختصر و اندک قرار داد تا برای تمام امت سرمشق و اسوه باشد ، چه زشت است که خانواده ها در مسائل ازدواج بخصوص مسئله مهر از پیامبر عزیز خود پیروی نکنند.

(وانكحوا الايامی منكم و الصالحین من عبادكم). « نور / ۳۲ »

آئین مقدس اسلام، نظامی است اعتقادی، اخلاقی، عملی.

عقیده در اسلام عبارت است از پیوند قلب با حضرت حق، و ایمان به قیامت و ملائکه و انبیاء و قرآن مجید
اخلاق در اسلام عبارت است از تواضع، خضوع، خشوع، ادب، صبر، حلم و بردباری، حوصله و تحمل،
شرح صدر، مهر و محبت، رأفت، عطوفت، نرم خوئی، صفا و صمیمیت، مواسات و عدالت، کرم و جود.
عمل در اسلام عبارت است از نماز و روزه و حج و زکات و خمس و امر به معروف و نهی از منکر و جهاد،
تولا و تبراً، احسان به پدر و مادر، و رعایت حقوق همه آنان که با انسان سر و کار دارند.

البته این مسائل در جهات سه گانه همه مسائل اسلام نیست، بلکه نمونه هائی از اسلام کامل و دین جامع
است، که عهده دار سلامت دنیا و آخرت مردم در همه شئون زندگی است. دین در حقیقت، خورشید
زندگی و چراغ حیات، و رهنمون به سوی حق و آباد کننده دنیا و آخرت انسان است.

در خزانه خلقت حق گوهری گرانبهاتر از دین وجود ندارد، دینی که همه انبیاء و امامان و اولیاء حق مبلّغ
آن بودند، دینی که هر کس به آن آراسته شود به رنگ خدا درآمده و تمام درهای سعادت را به روی خود
باز کرده است، و هر کس از آن دوری گزیند تمام درهای شقاوت را به روی خود گشوده است.

به همان اندازه که دین در پیشگاه حق ارزش دارد، دیندار ارزش دارد. آراسته به آئین حق والاترین انسان،
بالاترین موجود، و برترین جنبنده جهان آفرینش است.

انّ الذین امنوا و عملوا الصّالحات اولئک هم خیر البریّة.

آنان که ایمان آورده اند، و آراسته به صالحات عمل شدند، به حقیقت که بهترین مخلوقات جهان
آفرینشند.

صفات مؤمن در قرآن مجید و روایات در حدی که آراسته شدن به آنها، انسان را مؤمن قابل قبول می
نماید بیان شده:

خضوع در نماز، احتراز از سخن لغو و باطل، پرداخت زکات، حفظ اندام شهوت از حرام، رعایت امانت و
عهد و پیمان، محافظت بر نماز.

ره به تواضع سپردن در زمین، روبرو شدن با نادان همراه با سلامت نفس، شب را به روز آوردن با سجده و
قیام، دعا برای نجات از عذاب، پرهیز از اسراف به وقت انفاق، و دوری از بخل، رعایت اعتدال و میانه روی

، پرهیز از شرک و قتل نفس و زنا ، احتراز از شهادت ناحق و زور ، گذشت از لغو به بزرگواری و کرامت ، به آیات خدا با بصیرت نظر کردن. دعا برای همسر و فرزندان ، و اینکه سر خیل پاکان و اهل تقوا قرار بگیرند .

امام صادق(علیه السلام) فرمود:

الْمُؤْمِنُ مَنْ طَابَ مَكْسَبُهُ ، وَ حَسُنَتْ خَلِيقَتُهُ ، وَ صَحَّتْ سَرِيرَتُهُ ، وَ أَنْفَقَ الْفَضْلَ مِنْ مَالِهِ ، وَ أَمْسَكَ الْفَضْلَ مِنْ كَلَامِهِ .

مؤمن کسی است که آنچه کسب می کند پاکیزه است ، و طبیعتش نیکوست ، و پنهانش صحیح است ، اضافه مالش را انفاق می کند ، و از اضافه سخنش خودداری می نماید.

هم کفوی

پس از این مقدمه که در رابطه با دین و دینداری مطرح شد ، لازم است به این معنا توجه شود که از شرایط بسیار مهم ازدواج هم کفو بودن زوجین است.

کفو در لغت به معنای شبیه و مانند است ، در مسئله ازدواج تا حدی باید از نظر ظاهر و باطن بین دختر و پسر شباهت وجود داشته باشد. مهمترین مرحله شباهت ، باید در چهره دینداری جلوه کند به این معنا که به فرهنگ پاک حق ، مؤمن هم کفو مؤمنه ، و دین دار شبیه و مانند دیندار است.

به فرموده قرآن مجید: وَ الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ . زنان پاک لایق مردان پاکند.

کتاب حق می فرماید:

فَأَنْكِحُوا مَاطَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ . پس با زنان پاک ازدواج کنید.

این پاکی در زنان و مردان در مرحله اول پاکی و پاکیزگی باطن است ، که عبارت از ایمان به خدا و قیامت و نبوت و قرآن و ملائکه و متخلّق بودن به اخلاق حق است.

بنابراین مرد مسلمان و مؤمن حق ازدواج با زنان غیر مسلمان و غیر مؤمنه را ندارد ، و اگر این ازدواج انجام بگیرد ، باطل است و فرزندان آنان بدون شک زاده زنا هستند ، و همچنین زن مؤمنه حق ندارد با انسان غیر مؤمن ازدواج کند ، زیرا از نظر شرعی این ازدواج باطل و حرام و فرزندان آنان زاده حرامند. مؤمن و مؤمنه هم کفو غیر مؤمن و غیر مؤمنه نیستند ، که اگر این ازدواج باطل صورت بگیرد دری از عذاب قیامت بر روی هر دو باز شده!!

در قرآن مجید از ازدواج انسان پاک یعنی انسان مؤمن با انسان ناپاک منع شدید فرموده:

و لا تنكحوا المشركات حتى يؤمنَّ و لأمة مؤمنة خیر من مشرکة و لو اعجبتکم و لا تنكحوا المشركين حتى يؤمنوا و لعبد مؤمن خیر من مشرک و لو اعجبکم اولئک یدعون الی النار و الله یدعوا الی الجنة و المغفرة باذنه و یبین آیاته للناس لعلهم یتذکرون .

با زنان مشرک تا ایمان نیاورده اند ازدواج نکنید ، کنیزان باایمان از زن آزاد مشرکه بهتر است ، اگرچه زیبایی یا ثروت او شما را به شگفتی اندازد. و زنان خود را به ازدواج مردان مشرک تا ایمان نیاورده اند در نیاورید زیرا یک بنده باایمان از یک مرد مشرک بهتر است اگر چه موقعیت و زیبایی او شما را شگفت زده کند ، مشرکان دعوت به آتش می کنند ، و خدا دعوت به بهشت و آمرزش به فرمان خود می نماید ، و آیات خود را برای مردم بیان می کند شاید اهل تفکر و اندیشه شوند.

بنابراین مواظب باشید دختر باایمان خود را به جوانی که اهل حق و حقیقت نیست ، و در لجنزار انکار واقعیات دست و پا می زند به زنی ندهید ، و برای جوان پاک و مؤمن خود ، دختری که منکر اصول الهی است به همسری انتخاب نکنید که شرط اول در صحت ازدواج ایمان پسر و دختر است تا دو نور و دو پاک و دو پاکیزه و دو مؤمن به هم برسند ، و از به هم رسیدن آنان ثمرات شایسته و پاک که همان فرزندان صالحند بوجود بیایند. تصور نکنید که زیبایی و مال و موقعیت در مردی که ایمان ندارد ، و در زنی که آراسته به حقیقت نیست موجب سعادت و سلامت و نشاط و دوام در زندگی است.

البته بر خانواده ها لازم است در مسئله هم کفو بودن ، سختگیری نکنند ، وقتی پسر و دختر از نظر اعتقاد و اخلاق و عمل اسلامی ، و از نظر قیافه و هیكل ظاهر نزدیک به هم باشند ، این دو از نظر شرع مقدس هم کفو و شبیه و همانند یکدیگرند ، و در ازدواج آنان رحمت و برکت حق تجلی خواهد کرد.

در رابطه با مسئله کفو به روایات زیر توجه کنید:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ : الْكُفُو أَنْ يَكُونَ عَفِيفاً وَ عِنْدَهُ يَسَارٌ .

امام صادق (علیه السلام) فرمود: آنکه دارای عفت همه جانبه است و زندگی در کنار او از نظر نفقه سهل و آسان است کفو دختر عقیفه و آسان زندگی کن شماست.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود:

إِذَا جَاءَكُمْ مَنْ تَرْضَوْنَ دِينَهُ وَ أَمَانَتَهُ يَخْطُبُ إِلَيْكُمْ فَرُوجُهُ إِنْ لَا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةً فِي الْأَرْضِ وَ فُسَادٌ كَبِيرٌ .

کسی که از دختر شما خواستگاری کرد و شما نسبت به دین و امین بودن وی رضایت داشتید ، حتماً زمینه این ازدواج را فراهم نمائید ، که منع ازدواج کفو با کفو از جانب شما زمینه ساز فتنه در روی زمین و فساد بزرگ است.

رسول خدا در روایت دیگر می فرماید:

إِذَا جَاءَكُمْ مَنْ تَرْضَوْنَ خُلُقَهُ وَ دِينَهُ فَرَّوْجُوهُ وَ إِنْ لَا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فَسَادٌ كَبِيرٌ .

آنکس که اخلاق و دینش مورد رضایت و پسند شما بود به او دختر بدهید ، چنانچه از تحقق این ازدواج جلوگیری کنید موجب فتنه و فساد بزرگ در زمین شده اید.

آری سخت گیری در ازدواج ، و ایجاد موانع ، و تکیه بر عادات و رسومات غلط ، و پیگیری شرایط سخت ، و طلب جمال و ثروت و مقام ، از جانب خانواده ها برای پسران و دختران خود ، علت ازدیاد استمناء ، لواط ، زنا ، فشارهای عصبی ، و بیماریهای روانی در دختران و پسران است ، و این همه فتنه و فساد عواقب و توابعش در دنیا و آخرت گریبانگیر آن پدران و مادران و اقوام و خانواده هائی است که در مسئله ازدواج سخت گیری می کنند.

رسول حق فرمود: أَنْكِحُوا الْأَكْفَاءَ وَ أَنْكِحُوا مِنْهُمْ وَ اخْتَارُوا لِنُطْفِكُمْ .

زمینه ازدواج هم کفوها را فراهم کنید ، و با هم کفو ازدواج کنید و آنان را برای بوجود آمدن فرزندان شایسته به عقد خود در آورید.

آری ایمان و اخلاق و امانت و درستی در پسر و دختر مایه هم کفویست ، و بر پدران و مادران و خانواده ها واجب اخلاقی است ، هر چه زودتر و سریع تر و با آسان گیری کامل و پرهیز از شرایط غیر الهی و سنن غیر اخلاقی زمینه عروسی دو هم کفو را فراهم آورند ، تا رضا و خوشنودی و رحمت و لطف حق را نسبت به خود جلب کنند.

حضرت باقر (علیه السلام) می فرماید:

مَا مِنْ رُزْءَةٍ أَشَدَّ عَلَى عَبْدٍ أَنْ يَأْتِيَهُ ابْنُ أَخِيهِ فَيَقُولَ زَوْجُنِي فَيَقُولَ لَا أَفْعَلُ أَنَا أَغْنَى مِنْكَ .

مصیبتی از این شدیدتر نیست که جوان مؤمنی دختر برادر مؤمنش را خواستگاری کند ، و پدر دختر جواب بدهد ، من از این ازدواج عذر می خواهم زیرا تو از نظر مالی در رتبه من نیستی!

در مسئله ازدواج عصبیت قومی ، شهری ، قبیله ای نباید لحاظ شود ، زیرا اینگونه تعصبات در آئین الهی مردود شناخته شده و باطل اعلام شده است. فقر و غنا ، این شهر و آن شهر ، این قبیله و آن قبیله را

ملاک ازدواج قرار ندهید ، مردان و زنان همه و همه دختران و پسران یک پدر و مادرند ، و برای هیچ یک بر دیگری ، جز به تقوا و پرهیزکاری امتیاز نیست.

نظر حضرت سجاد(علیه السلام) نسبت به کفو

امام پنجم حضرت باقر(علیه السلام) نقل می کنند: پدر باکرامتم حضرت زین العابدین(علیه السلام) در یکی از مواقف حج به خانمی برخورد که اخلاق نیکش آن حضرت را جذب کرد ، سؤال کردند این زن دارای همسر است ؟ عرضه داشتند وی را شوهر نیست ، پدرم بدون این که از حسب و نسب وی تحقیق کند از او خواستگاری کرد ، و این خواستگاری منجر به ازدواج با او شد.

فردی از انصار از داستان آگاه شد ، ازدواج به این سادگی برای او بسیار سنگین و گران آمد ، به نظر آورد ممکن است آن زن فردی بی اصل و نسب باشد ، و علت سرزنش نسبت به امام چهارم شود. مدتی در مقام جستجو برآمد و معلوم شد آن زن از طایفه شیبان است ، خدمت امام چهارم رسید و جریان را با آن حضرت در میان گذاشت که خدا را شکر همسر شما از فامیلی معروف و محترم است ، امام به او فرمودند من شما را خردمندتر از این می دانستم که به این امور پای بند باشی ، مگر نمی دانی خداوند عز و جل به برکت اسلام پستی ها را برداشت و نقصها را جبران فرمود ، بزرگواری و کرامت را جایگزین پستی و دنائت نمود ، اینک مسلمان در هر موقعیتی باشد محترم است و او را پستی نیست ، لثامت و خست از آن جاهلیت است و بس .

بنابراین هم قبیله بودن ، همشهری بودن ، به اندازه هم ثروت داشتن ، موجب هم کفوی نیست ، بنا به حکم اسلام ، عرب را بر عجم ، سپید را بر سیاه ، قرشی را بر غیر قرشی امتیازی نیست ، امتیاز به تقواست و دو مرد و زن مسلمان با داشتن ایمان و تقوا و اخلاق و امانت و عفت و پاکی و طهارت و سلامت هم کفو یکدیگرند گرچه یکی عرب و دیگری عجم ، یکی شهری و دیگری روستایی ، یکی غنی و دیگری فقیر ، یکی سپید و دیگری سیاه ، یکی قبیله دار و دیگری بی قبیله باشد.

امام صادق(علیه السلام) به مردی به نام ابراهیم فرمود: هیچ مؤمنی بهره ای و سودی خطرناک تر از ثروت نبرده ، ضرر مال از زیان دو گرگ درنده که به گله ای بی چوپان از سر و ته گله حمله کنند بیشتر است ، این گرگها با گوسپندان چه می کنند ، عرضه داشتیم جز فساد کاری نمی کنند ، فرمود: راست گفتی ، کوچکترین زیان مال این است که مسلمانی خواستگاری دختر مسلمان بیاید و او به عذر نداشتن مال او را براند و از دادن دختر به او خودداری کند

به چند طایفه دختر ندهید

در معارف الهی آمده فرزند امانت خدا و نعمت حق و احسان پروردگار به انسان است.

حفظ امانت حق به این است که به تربیت دینی و اخلاقی او توجه شود ، و به هنگام ازدواج برای او همسر پاک و پاکیزه ای انتخاب شود.

دختری که به خانه شوهر می رود تحت تأثیر خانه و خانواده شوهر و خود شوهر قرار می گیرد ، و در هر صورت در آن محیط برنامه هائی به وسیله شوهر از او خواسته می شود ، باید به آن خانه ای که می رود خانه ای الهی و خانواده ای مؤمن باشد ، و همسرش از حسنات باطنی و ظاهری در حد استعداد و طاقتش برخوردار باشد ، به این خاطر آئین الهی از شوهر دادن دختر به افرادی که واجد شرایط الهی و اسلامی نیستند منع اکید فرموده در روایتی از قول رسول حق آمده:

إِنَّمَا النِّكَاحُ رِقٌّ فَإِذَا أَنْكَحَ أَحَدَكُمْ وَلِيدَةً فَقَدْ أَرْقَّهَا فَلْيَنْظُرْ أَحَدَكُمْ لِمَنْ يُرِقُّ كَرِيمَتَهُ .

نکاح یک نوع بندگی و اطاعت است ، فردی از شما وقتی دخترش را شوهر می دهد ، او را در مدار طاعت و بندگی شوهر درمی آورد ، لازم است هر یک از شما دقت کند ، که دخترش را در اختیار چه کسی قرار می دهد.

شوهر دادن دختر به کسی که پای بند به دین و فرائض الهی و عقاید حقّه نیست و به تعبیر کتاب خدا فاسق است جایز نیست. شوهر دادن دختر به مرد بداخلاق که آلوده به کبر ، فخر ، حسادت ، حرص ، طمع ، بخل و بدزبانی است ، ممنوع است.

شوهر دادن دختر به مرد نادان و سفیه و کم عقل که قدرت اداره زندگی را ندارد ، و چیزی برای زن جز مشکلات بوجود نمی آورد کاری خلاف شرع و دور از انسانیت است.

شوهر دادن دختر به مرد شرابخوار و آن پلید و پستی که از حرام الهی خودداری نمی کند اکیداً ممنوع است . اکنون به روایت بسیار مهم این قسمت توجه کنید.

قال النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) : مَنْ زَوَّجَ كَرِيمَتَهُ مِنْ فَاسِقٍ نَزَلَ عَلَيْهِ كُلُّ يَوْمٍ أَلْفُ لَعْنَةٍ . کسی که دختر عزیز و باکرامتش را به فرد بی دین شوهر دهد ، روزی هزار بار لعنت بر او نازل می شود.

كَتَبَ حُسَيْنُ بْنُ بَشَّارٍ إِلَى الْكَاطِمِ (عليه السلام) : إِنَّ لِي قَرَابَةً قَدْ خَطَبَ إِلَيَّ وَ فِي خُلُقِهِ سُوءٌ قَالَ : لَا تُزَوِّجُهُ **إِنْ كَانَ سَيِّئَ الْخُلُقِ .**

حسین بن بشار به موسی بن جعفر (علیه السلام) نوشت : یکی از اقوام من از دخترم خواستگاری کرده ، ولی اخلاق بدی دارد ، حضرت جواب نوشتند : اگر دچار سیئات اخلاقی است به او نده.

امام صادق(علیه السلام) با استناد به آیه ۵ سوره نساء از دختر دادن به سفیه و نادان که لیاقت ندارد مال به او بدهند ، و نمی توان به او در امور اجتماعی و فردی و مسئله امانات اعتماد کرد ، منع اکید فرمودند .

قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) : مَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ بَعْدَ مَا حَرَّمَهَا اللَّهُ عَلَى لِسَانِي فَلَيْسَ بِأَهْلٍ أَنْ يُزَوَّجَ إِذَا خَطَبَ .

هر کس شراب را بعد از اینکه من مأمور اعلام حرام بودنش از جانب خدا شدم بنوشد ، هرگاه به خواستگاری دختر یک خانواده آمد، بدانید که شایستگی پاسخ شنیدن ندارد.

امام هشتم حضرت رضا(علیه السلام) فرمود:

وَإِيَّاكَ أَنْ تُزَوَّجَ شَارِبَ الْخَمْرِ ، فَإِنْ زَوَّجْتَهُ فَكَأَنَّمَا قَدَّمْتَ إِلَى الزَّانَا .

بترس از این که دختر به شرابخوار بدهی ، که اگر او را به چنین تبهکاری شوهر دهی گویا آن عقیقه کریمه را به زنا داده ای!!

آری آنکه پای بند به واجبات الهی نیست ، و از فسق و فجور پرهیز ندارد ، و آنکه از حسنات اخلاقی برخوردار نیست ، و آلوده به بد اخلاقی است ، و آنکس که از عقل و فکر لازم بهره ندارد ، و آن سست اراده ای که از مشروبات حرام پرهیز ندارد ، اهلیت ندارد که دختری پاک و مؤمنه که امانت حق است به او سپرده شود ، که نه تنها دختر ضایع می گردد ، بلکه فرزندی که آن دختر برای آن تبهکار می آورد متأثر از آثار سوء وجودی آن شوهر خواهند شد ، که قبل از اینکه دانش بشر به این حقیقت برسد امام ششم(علیه السلام) این حقیقت را اعلام فرموده است:

الْحَرَامُ يَبِينُ فِي الدَّرِيَّةِ . آثار حرام در نسل آشکار می گردد!!

با اینگونه زنان ازدواج نکنید

همانطور که اسلام اجازه شوهر دادن دختر را به چند طایفه از جمله فاسقان ، سفیهان، بد اخلاقان ، مشروبخواران ، نمی دهد ، و حرمت و ارزش زن را با ممنوعیت ازدواج با این چند طایفه حفظ می کند ، به همین نسبت به جوانان مؤمن و باکرامت اجازه ازدواج با زنانی که واجد شرایط الهی و اسلامی نیستند نمی دهد .

روایات بسیار مهمی در این زمینه از مصادر وحی در معتبرترین کتب نقل شده ، که به پاره ای از آنها اشاره می شود ، رسول خدا فرمود:

إِيَّاكُمْ وَ تَزْوِجَ الْحَمَقَاءِ فَإِنَّ صُحْبَتَهَا ضِيَاعٌ وَ وُلْدَهَا ضِيَاعٌ .

از ازدواج با زن کودن و دچار حماقت بپرهیزید که همنشینی با آنان تباهی عمر و فرزندش متجاوز و ستمکار است.

و نیز آن حضرت فرمود: **إِيَّاكُمْ وَ خَضْرَاءَ الدَّمَنِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا خَضْرَاءُ الدَّمَنِ . قَالَ: الْمَرْأَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَنَبَتِ السُّوءِ .** از سبزه مزبله پرهیز کنید ، پرسیدند سبزه مزبله کدام است ؟ فرمود: زن زیباروی که در خانواده ای پست و بد و فرومایه بار آمده!

رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

كان(صلی الله علیه وآله وسلم) يَقُولُ فِي دُعَائِهِ: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وُلْدٍ يَكُونُ عَلَيَّ رَبًّا ، وَ مِنْ مَالٍ يَكُونُ عَلَيَّ ضِيَاعًا ، وَ مِنْ زَوْجَةٍ تُشِيبُنِي قَبْلَ أَوَانِ مَشِيبِي وَ مِنْ خَلِيلٍ مَكِرٍ .**

رسول حق در دعایش به پیشگاه حضرت حق عرضه می داشت: خداوندا به تو پناه می برم از فرزندى که به جای فرمانبرى از من فرمانگذار من باشد ، و مالى که بدون سود تباه گردد ، و زنى که مرا پیش از وقت « بر اثر کودنى و حماقت و بدخلقى » پیر کند ، و دوستى که اهل مکر و حيله باشد.

رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: **شِرَارُ نِسَائِكُمُ الْعَقْرَةُ ، الدَّيْسَةُ ، اللُّجُوجَةُ ، الْعَاصِيَةُ ، الدَّلِيلَةُ فِي قَوْمِهَا ، الْعَزِيزَةُ فِي نَفْسِهَا ، الْحَصَانُ عَلَى زَوْجِهَا ، الْهَلُوكُ عَلَى غَيْرِهِ .**

بی خیرترین زنان شما: زنان عقیم و زنانی که پاکیزگی را رعایت نمی کنند و لجباز و نافرمان و در دید فامیل پست ، و در نظر خود عزیز ، و نسبت به شوهر سرکش ، و با دیگران رام و تسلیم هستند.

و آن جناب فرمود: **الشُّؤْمُ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءٍ فِي الدَّابَّةِ وَ الْمَرْأَةِ وَ الدَّارِ فَأَمَّا الْمَرْأَةُ فَشُؤْمُهَا غَلَاءُ مَهْرِهَا وَ عُسْرُ وِلَادَتِهَا وَ أَمَّا الدَّابَّةُ فَشُؤْمُهَا كَثْرَةُ عِلِّيَّهَا وَ سُوءُ خُلُقِهَا وَ أَمَّا الدَّارُ فَشُؤْمُهَا ضَيْقُهَا وَ خُبْتُ جِيرَانِهَا .**

نامبارکی در سه چیز است: در مَرکب ، زن ، و خانه . اما نامبارکی زن بالا بودن کابین و نازایی اوست ، و نامبارکی مَرکب زیادی بیماریها بدخوبودن (چموشی) آن است و نامبارکی خانه کوچکی و بدی همسایگان آن می باشد.

وَقَالَ(صلی الله علیه وآله وسلم) شَرُّ الْأَشْيَاءِ الْمَرْأَةُ السُّوءُ .

بدترین چیزها زن بد است.

امیرالمؤمنین(علیه السلام) فرمود: شَرُّ الزَّوْجَاتِ مَنْ لَا تُؤَاتِي .

بدترین همسر آن زنی است که ناموافق باشد.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشِرَارِ نِسَائِكُمْ؟ الدَّلِيلَةُ فِي أَهْلِهَا، الْعَزِيزَةُ مَعَ بَعْلِهَا، الْعَقِيمَةُ الْحَقُودُ، أَلْتِي لَا تَتَوَرَّعُ عَن قَبِيحٍ، الْمُتَبَرِّجَةُ إِذَا غَابَ عَنْهَا بَعْلُهَا، الْحَصَانُ مَعَهُ إِذَا حَضَرَ، لَا تَسْمَعُ قَوْلَهُ، وَلَا تُطِيعُ أَمْرَهُ، وَإِذَا خَلَى بِهَا تَمَنَّعَتْ كَمَا تَمَنَّعَ الصَّعْبَةُ عِنْدَ رُكُوبِهَا، وَلَا تَقْبَلُ مِنْهُ عُذْرًا، وَلَا تَغْفِرُ لَهُ ذَنْبًا.

بدترین زنانتان را معرفی نکنم؟ آنکه در فامیلش پست و بی مقدار، و نسبت به شوهرش فخر فروش، نازا، کینه توز، از کار زشت روی نگرداند، و در غیاب شوهر خود را زینت دهد، و در حضور وی بی پیرایه باشد، از شوهر اطاعت نکند، فرمانش را نپذیرد، در خلوت نسبت به خواسته شوهر تمکین نکند، عذر شوهر را نپذیرد، و از خطایش در نگذرد.

(النکاح سنتی فمن رغب عن سنتی فلیس منی) «بحار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۰»

راه انتخاب همسر

ناقص از رحمت حق محروم است

در یک روایت بسیار مهم از ناحیه رسول باکرامت اسلام آمده: النَّاقِصُ مَلْعُونٌ.

ناقص رانده شده از رحمت حق است.

بدون تردید، ناقص کسی نیست که بدون چشم، یا دست و پا، یا نقص دیگر جسمی از مادر به دنیا آمده باشد، ناقص کسی است که به کسب معرفت، و متخلّق شدن به اخلاق حسنه، و آراسته شدن به اعمال صالحه اقدام ننماید، و جز از راه خورد و خواب و لذت و شهوت به خود نرسد.

آری انسان زمینه رسیدن به تمام کمالات و حقایق و واقعیّات را دارد، و باید در این زمینه بکوشد، و جنب و جوش از خود نشان دهد، و تا زنده است به رفع نقایص فکری و روحی و باطنی خود برخیزد، و از توقف و سکون، و تعطیل حرکت و خیزش بپرهیزد، که اگر در مقام رفع نقص برنیاید، و چون آب راکد که عاقبت بدبو و فاسد می شود، معطل بماند ملعون و از رحمت حضرت محبوب رانده می شود.

متأسفانه عده ای عمر خود را در سنین هفتاد و هشتاد می گذرانند ولی هنوز از نظر عقلی و فکری کودک یک ساله، و از نظر عمل و اخلاق همچون طفل پنج ساله اند. اینان در گذرگاه حیات، از مواهب معنوی حق همچون کتب آسمانی نبوت انبیاء امامت امامان و عرفان عارفان واقعی و حکمت حکیمان الهی استفاده نکردند، و چون حیوانات به فریبی خود، و اضافه کردن طول و عرض و حجم بدن پرداختند، و نطفه چند گرمی وجود خود را با خورد و خوراک باد کرده، به وزن هشتاد، نود کیلو رسانده اند!!

اینان می توانستند نهال وجود خود را ، تبدیل به شجره طیبه کنند ، و از خویشتن خویش منبعی از کمالات و حقایق بسازند ، ولی به امور مادی محض مغرور شده جز به ساختن بدن حیوانی به کار دیگر مشغول نشدند ، و همچون روز اول ناقص و نادر و فقیر ماندند .

کسب و تجارت مادی دارند ، شاغل میز و صندلی هستند ، دارای مال و منال و زن و فرزند ولی ناقص اند . به علت ناقص ماندن ، مضرند ، اهل هر نوع گناه و معصیت هستند ، به حقوق دیگران تجاوز می کنند ، از ظلم و ستم پرهیز ندارند ، با کمال بی شرمی از سفره گسترده نعمت حق بهره می برند ، ولی با دشمنان خدا یعنی شیاطین جنّی و انسی در تمام زمینه ها همکاری می نمایند .

در روایت دیگری از قول امام هفتم حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) می خوانیم:

مَنْ اسْتَوَى يَوْمَهُ فَهُوَ مَغْبُونٌ ، وَ مَنْ كَانَ آخِرَ يَوْمِيهِ شَرَّهُمَا فَهُوَ مَلْعُونٌ ، وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفِ الزِّيَادَةَ فِي نَفْسِهِ فَهُوَ فِي نُقْصَانٍ ، وَ مَنْ كَانَ إِلَى النُّقْصَانِ فَأَلْمَوْتُ خَيْرٌ لَهُ مِنَ الْحَيَاةِ .

آن که دو روزش مساوی باشد ، دچار غبن و خسارت شده ، و کسی که پایان دو روزش بدترین زمان آن دو روزش باشد ملعون است ، و آن کسی که در وجود خود اضافه ای از واقعیات و کمالات در گذر عمر نبیند ناقص است ، و آن که بسوی نقصان روی دارد ، مرگ برای او از زندگی بهتر است !!

روایتی نزدیک به همین مضمون نیز از امام به حق ناطق ، حضرت صادق (علیه السلام) در کتب پرقیمت شیعه نقل شده .

در روایت از رسول باکرامت اسلام می خوانیم: أَلْكَاسِبُ حَبِيبُ اللَّهِ .

آنکه در مقام کسب است ، حبیب خدا است .

بدون شک بالاترین کسب و برترین تجارت ، کسب فضائل ، و حقایق ، و اقدام برای به دست آوردن معارف ، و کمالات و حسنات اخلاقی و انسانی است .

چنین کاسبی همچون رسول خدا ، محبوب خدا ، و وجودی پرارزش ، و موجودی وزین است . بیائیم از ناقص ماندن بپرهیزیم ، از اینکه دو روز ما مساوی باشد ، دوری بجوئیم ، و از این که دست خود را از کسب کمالات کوتاه نگاه داریم بپرهیزیم ، که هرکس در قیامت از امور معنوی و رشد عقلی ، و کمالات اخلاقی و عملی کم داشته باشد ملعون و مطرود و مغبون و در ترازوی قیامت سبک وزن ، و در نتیجه مستحق عذاب ، و آنکه دارای وزن معنوی و به عبارت دیگر سنگینی ایمان و اخلاق و عمل باشد اهل فلاح و نجات و رستگاری و پیروزی است ، در این زمینه به دو آیه بسیار مهم از قرآن مجید عنایت کنید:

وَ الْوِزْنُ يُومِئِدُ الْحَقَّ فَمَنْ ثَقَلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ . وَ مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ .

ترازو در روز قیامت حق است ، آنان که در آن میزان ، ایمان و عمل و اخلاقشان سنگین است اهل فلاح و رستگاری اند. و آنان که در آن میزان از نظر واقعیات سبک وزند ، وجودشان مبتلای به خسارت است ، چرا که متجاوز از حدود خداوند بودند.

راه کمال

خداوند مهربان در قرآن مجید برای پیمودن راه کمال ، به همه انسانها به دست آوردن دو واقعیت را ، با لحاظ کردن شرایط الهی و انسانی سفارش می نماید:

پیمودن راه حیات مادی ، پیمودن راه حیات معنوی ، این دو معنا در چهار آیه از سوره مبارکه آل عمران بیان شده است:

زَيْنَ لِلنَّاسِ حَبَّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَ الْبَنِينَ وَ الْقَنَاطِيرَ الْمَقْنَطِرَةَ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْخَيْلَ الْمَسْوْمَةَ وَ الْاِنْعَامَ وَ الْحَرْثَ ذَلِكَ مَتَاعَ الْحَيَوةِ الدُّنْيَا وَ اللهُ عِنْدَهُ حَسَنُ الْمَآبِ * قُلْ اُوْنَبِّئُكُمْ بِخَيْرٍ مِنْ ذَلِكَمُ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ اَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَ رِضْوَانٌ مِنَ اللهِ وَ اللهُ بِصِيرٍ بِالْعِبَادِ * الَّذِيْنَ يَقُولُوْنَ رَبَّنَا اِنَّا اٰمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ قَنَا عَذَابَ النَّارِ * الصَّابِرِيْنَ وَ الصَّادِقِيْنَ وَ الْقَانِتِيْنَ وَ الْمُنْفِقِيْنَ وَ الْمُسْتَغْفِرِيْنَ بِالْاِسْحَارِ .

زینت داده شد برای همه انسانها ، دوست داشتن خواسته ها و امیال ، که عبارت است از میل به زنان و فرزندان ، و ثروت فراوان از طلا و نقره ، و اسبهای نشاندار ، و چهارپایان و زراعت و کشاورزی ، این است آنچه موجب بهره‌وری انسانها در چهارچوب حیات دنیائی است ، و نزد خداوند بازگشتگاه نیکوست ، که عبارت است از جنت لقاء و نعمت ابد و جاوید حق در بهشت عنبر سرشت . بگو ای رسول من ، شما انسانها را به بهتر از اینها خبر دهم ؟ برای آنان که در تمام برنامه های زندگی ، از تشکیل خانواده و زن و فرزندداری ، و کسب مال و بدست آوردن احشام و زراعت ، و رابطه بین خود و تمام مردم تقوای الهی پیشه کردند ، و در انجام هر برنامه ای از دستورات حق پیروی نموده ، و از هوای نفس و شهوات حرام و خواسته های شیاطین خود را حفظ کردند و راه پرهیزکاری پیش گرفتند ، بهشت هائی نزد پروردگارشان دارند که نهرها از زیر آن جاری است ، و برای آنان ازواج پاک و رضوان الهی است ، و خداوند آگاه به وضع بندگان است ، آنان که می گویند : پروردگارا ایمان آوردیم ، پس گناهان ما را مورد مغفرت قرار بده ، و ما را از عذاب روز قیامت در پناهت نگهدار .

عباد خدا آنان هستند که علاوه بر این واقعیات، در تمام حوادث اهل صبر و استقامت، و صدق و راستی، و بندگی و عبادت، و انفاق و استغفار در وقت سحرند. فعل « زین » در آیه شریفه از نظر ادبی مجهول آمده ، مجهول آورده شدن فعل ، شاید برای نشان دادن ارزش و عظمت برنامه باشد ، بدین جهت باید گفت فاعل فعل حضرت حق است، اوست که آن واقعیات را برای تمام انسانها آراسته ، تا نسبت به میل خود در برابر

آنها شائق و راغب و عاشق و دلباخته باشند ، و از طریق این عشق و رغبت به تشکیل زندگی از طریق ازدواج و کسب مال و منال و تسخیر کردن حیوانات ، و آباد کردن زمین برخیزند ، و از این راه به بهره‌وری از حیات مادی برسند ، و از جهت دیگر آراسته به تقوا ، ایمان ، دعا ، ترس از عذاب آخرت شده ، و به کسب صبر و صدق و عبادت و انفاق و استغفار برخیزند ، تا به بهشت حق و رضای دوست و همسران پاکیزه آخرتی برسند.

در هر صورت بر اساس آیات کریمه قرآنیه ، ظرافت خلقت زن ، چهره زیبای وی ، وقار و حیای ذاتی او ، صدای لطیف و جاذب این موجود ، راه رسم طنّازی و عشوه‌گری این مخلوق فوق العاده ، همه و همه از موجبات آراستگی و زینت اوست ، که باعث دلربائی ، و دلبری و جذب میل و شهوت مرد ، و علت بسیار مهم علاقه او و عشق وی به انتخاب زن و تشکیل زندگی و فرزنددار شدن ، و فعالیت و کوشش کسبی و تجارتي و زراعتی برای تأمین حیات مادی ، و تداوم حیات خانه و خانواده است ، و این راهی است که اگر توأم با تقوا و دوری از گناه و معصیت ، و همراه با ایمان و مناجات و صبر و صدق و عبادت و انفاق و استغفار در سحر گردد ،

سعادت دنیا و آخرت ، و خیر مادی و معنوی تأمین می شود ، و انسان از امور لذت بخش دنیا ، و منافع سرشار و ابدی آخرت و از همه مهمتر رضوان و رضایت حضرت محبوب برای ابد بهره مند می گردد.

تریت فرزندان از دیدگاه قرآن و اهل بیت علیهم السلام:

امام علی (علیه السلام) فرمودند :

حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدَةِ أَنْ ... يُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ ؛

حق فرزند بر پدر این است که به او قرآن خواندن بیاموزد.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا عَادَابَهُمْ يُغْفَرَ لَكُمْ؛

فرزندانتان را گرامی بدارید و آدابشان را نیکو کنید تا آمرزیده شوید.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

قَالَ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ: يَارَبِّ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ عِنْدَكَ؟ فَقَالَ: حُبُّ الْأَطْفَالِ فَإِنَّ فِطْرَتَهُمْ عَلَى تَوْحِيدِي. فَإِنَّ أُمَّتَهُمْ أَذْخَلَهُمْ بِرَحْمَتِي جَنَّتِي؛

حضرت موسی بن عمران (علیهما السلام) عرض کرد: پروردگارا! کدام یک از کارها نزد تو برتر است؟ خدا به او فرمود: دوست داشتن کودکان، زیرا سرشت آنان بر یگانگی من استوار است و من هرگاه آنان را می‌میرانم، به مهر خویش، در بهشت خود می‌برم.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند :

مَنْ كَانَ لَهُ أَنْثَى فَلَمْ يُبِدْهَا وَ لَمْ يُهِنْهَا وَ لَمْ يُؤْثِرْ وَ لَدَهُ عَلَيْهَا أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ؛

هر کس دختری داشته باشد که او را تباه نسازد؛ و خوارش نکند؛ و پسرش را بر وی برتری ندهد، خدا او را به بهشت می‌برد.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند :

مَنْ قَبَلَ وَ لَدَهُ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ حَسَنَةً وَ مَنْ فَرَّحَهُ فَرَّحَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَنْ عَلَّمَهُ الْقُرْآنَ دُعِيَ بِالْأَبْوَيْنِ فَيُكْسِيَانِ حُلَّتَيْنِ يَضِيءُ مِنْ نُورِهِمَا وَ جُوهُ أَهْلِ الْجَنَّةِ؛

هر کس فرزند خود را ببوسد، خداوند بزرگ و بلند مرتبه برای او کار نیکی می‌نویسد. و هر کس فرزند خویش را شادمان کند، خداوند نیز در روز قیامت وی را شادمان می‌کند. و هر کس به فرزندش قرآن بیاموزد، آن فرزند [در روز قیامت] همراه پدر و مادرش فرا خوانده می‌شود تا دو جامه بر تن آن دو بپوشند به گونه‌ای که چهره‌های بهشتیان از فروغشان بدرخشد.

فرزندان گلهای بوستان زندگی هستند و کام تشنه آنها جز با محبت والدین سیراب نمی‌شود. هر نوع کوتاهی در سیراب نمودن آنها، اثری جز پژمرده شدن این گلهای معطر به دنبال ندارد. برخی والدین از نقش محبت در رشد معنوی و حتی جسمانی فرزندان خود غافلند و کمتر به اهمیت و تأثیر سحرآمیز آن توجه دارند، در حالی که محبت داروی شفابخش بسیاری دردهاست، بسیاری از ناسازگاریها و پرخاشگریهای فرزندان را با محبت می‌توان پیشگیری نمود. نکته مهم در محبت و عاطفه به فرزندان، اظهار و ابراز آن است، چه بسیار والدینی که فرزندان خود را زیاد دوست دارند، اما کمتر این عاطفه قلبی خود را ابراز می‌کنند. از بهترین شکلهای اظهار محبت، در آغوش گرفتن و بوسیدن فرزند در کودکی و هدیه دادن در نوجوانی و جوانی است

نماز ستون دین و سرچشمه همه نیکیهاست. هرچند این امر مهم همزمان با سن تکلیف بر انسان واجب می‌شود؛ اما هرچه زودتر فرزندان با آن آشنا گردند، بیشتر با نماز مانوس می‌شوند و زودتر شیرینی عبادت و ارتباط با پروردگار را می‌چشند. نماز در نوجوانی و قبل از تکلیف، تجربه‌ای شیرین و جذاب است، هنگام تکلیف، احساس سختی فرایض را از انسان دور می‌سازد. بدین جهت ائمه علیهم السلام فرزندان خود را، قبل از سن تکلیف با نماز آشنا می‌ساختند.

امام سجاد (علیه السلام) فرمودند:

حَقٌّ وَ لَدِكَ ... أَنْكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَ لِيَّتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ ... وَ الْمَعُونَةَ عَلَى طَاعَتِهِ فَيْكَ وَ فِي نَفْسِهِ ...

حق فرزند تو این است... در سرپرستی وی مسؤولیت داری که ادب او را نیکو کنی و به سوی پروردگارش رهنمون سازی و در فرمانبرداری از او، نسبت به وظایف تو و خودش، یاری‌اش دهی.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند :

مَنْ قَبَلَ وَ لَدَهُ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ حَسَنَةً وَ مَنْ فَرَّحَهُ فَرَّحَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَنْ عَلَّمَهُ الْقُرْآنَ دُعِيَ بِالْأَبْوَيْنِ فَيُكْسِيَانِ حُلَّتَيْنِ يَضِيءُ مِنْ نُورِهِمَا وَ جُوهُ أَهْلِ الْجَنَّةِ؛

هر کس فرزند خود را ببوسد، خداوند بزرگ و بلند مرتبه برای او کار نیکی می‌نویسد. و هر کس فرزند خویش را شادمان کند، خداوند نیز در روز قیامت وی را شادمان می‌کند. و هر کس به فرزندش قرآن

بیاموزد، آن فرزند [در روز قیامت] همراه پدر و مادرش فرا خوانده می‌شود تا دو جامه بر تن آن دو بپوشند به گونه‌ای که چهره‌های بهشتیان از فروغشان بدرخشد.

قال الامام علی علیه السلام - : لا یصلح الکتبُ جدًّا و لا هزلٌ و لا ان یعدَ احدکم صبیّه ثم لا ینفی له .

امام علی علیه السلام فرمودند: شایسته نیست آدمی به جد یا به شوخی دروغ بگوید و شایسته نیست کسی به فرزند خود وعده‌ای بدهد و به آن وفا ننماید .

تفاوت یا تبعیض

تبعیض و تفاوت دو واژه نزدیک، ولی متفاوت است. تبعیض بدین معناست که در میان افراد همپایه و همسان بی دلیل فرد یا افرادی را برتر به شمار آوریم؛ ولی تفاوت عبارت است از برتری شایستگان. در سیره تربیتی امام کاظم (ع) تبعیض ممنوع و تفاوت مجاز شمرده شده است. تبعیض میان فرزندان بذر کینه و اختلاف و بدبینی به والدین را در دل کودکان می پراکند. امام کاظم (ع) از پدرانش چنین نقل می کند: مردی یکی از دو فرزند خود را بوسید و دیگری را رها کرد. رسول خدا (ص) با ناراحتی فرمود: چرا بین آنها به مساوات رفتار نمی کنی؟ تفاوت اگر بجا و منطقی باشد، موجب پیشرفت فرزندان می شود؛ زیرا حس رقابت سالم را در آنها تقویت می کند. امام کاظم (ع) در مواردی میان فرزندان تفاوت قایل می شد. رفاعه از حضرت موسی بن جعفر (ع) بلی، : « پرسید: ای فرزند رسول الله (ص)، مردی چند پسر دارد؛ آیا برتر شمردن یکی بر دیگران، درست است؟ امام (ع) پاسخ داد تفاوت نهادن میان فرزندان امری بسیار. « مانعی ندارد؛ زیرا پدرم حضرت صادق (ع) مرا بر عبدالله، برادر بزرگترم ترجیح می داد - ظریف و حساس است و به کمال دقت و ظرافت نیاز دارد؛ زیرا ممکن است فرزندان آن را تبعیض پندارند. پس والدین باید ۱- هنگام تفاوت نهادن میان فرزندان به گونه ای رفتار کنند که کسی آن را تبعیض به شمار نیاورد. ۲- دقت کنند که سبب برتری فرزندی که برتر می شمارند، کاملاً آشکار باشد ۳- در صورت امکان، امتیاز فرزند برتر را با عباراتی سازنده، بیان کنند. امام هفتم (ع) در مواردی حضرت رضا (ع) را بر دیگران ترجیح می داد، او را الگوی دیگر فرزندان معرفی می کرد و وجه برتری اش را آشکار می ساخت. اسحاق بن موسی (ع) می گوید: امام کاظم (ع) به فرزندانش می فرمود: برادران علی (ع) دانشمند آل محمد مؤمنان علی است (ص) است، درباره دینتان از او بپرسید و آنچه را بیان می کند، به خاطر بسپارید. همانا ابوجعفر (ع) به من فرمود: دانشمند آل محمد (ص) در شمار فرزندان تو خواهد بود. کاش وی را درک می کردم. بی تردید او همان امیرمؤمنان علی (ع) است.

موقعیت اجتماعی فرزندان

فرزندان تا وقتی به بلوغ شرعی، عقلی و اجتماعی دست نیافته اند، به مراقبت والدین و هدایت آنها نیاز دارند. فراهم ساختن زمینه مساعد برای دستیابی فرزندان به جایگاه اجتماعی مناسب، بخشی از وظایف والدین در برابر فرزندان است. آنها باید برای رسیدن به این هدف، فرزندشان را در انتخاب شغل مناسب یاری دهند. امام کاظم(ع) فرمود: شخصی با فرزندش خدمت رسول خدا (ص) آمد و گفت: ای رسول خدا، حق این فرزند بر من کدام است؟ حضرت فرمود: نام نیکو برایش انتخاب کن، او را ادب بیاموز و در (موقعیتی نیک قرار ده. جایگاه اجتماعی مناسب برایش فراهم ساز.

والدین و موعظه فرزندان

هرچند روش غیرمستقیم و زبان عمل از زبان گفتار نافذتر است و معصومان(علیهم السلام) بیش از آنچه می گفتند با کردار خود، مردم را ارشاد می کردند؛ ولی پند مستقیم نیز در سیره آنها بسیار مشاهده می شود. امام کاظم(ع) بعضی از فرزندان را چنین اندرز می دهد: فرزندم! بپرهیز از اینکه خداوند تو را در گناهی که از آن نهی ات کرده، ببیند؛ بپرهیز از اینکه پروردگار تو را از اطاعتی که بدان فرمانت داده، دور مشاهده کند. بر تو باد به تلاش و کوشش. هرگز خود را از کوتاهی در عبادت خداوند تهی؛ زیرا خداوند چنان که شایسته است عبادت نمی شود؛ و از مزاح بپرهیز که نور ایمانت را می برد و تو را سبک می سازد؛ و از اندوه و کسالت دور باش، که از بهره دنیا و آخرت جلوگیری می کند.

سوالات مسابقه

۱- از فرمایشات پیامبر(ص) در مورد « زنی که گوشت بدن خودش را می خورد و آتش از زیر وشتها بیرون می زد»

« زنی است که برای می کرد. و خود را معرفی دید.....قرار می داد»

الف) شوهر آرایش - آرایش خود - نامحرم (ب) غیرشوهر آرایش - آرایش خود - مردان نامحرم

ج) والدین آرایش - آرایش خود - مردان نامحرم

۲- با شوهر دادن دختر با شرایطی آسان، و زن دادن پسر با برنامه ای معمولی از چه چیز مهمی جلوگیری خواهد شد؟

الف) از گسترش بستر فساد و سفره گناه (ب) از معصیت و افتادن به فساد

ج) از برنامه عاشق و معشوقی

۳- زن اگر قدر و منزلت خود را بشناسد و با تعلیم عالیه اسلام خود را تربیت کند به چه مقامی خواهد رسید؟

الف) حریمی پاک و زینبی شایسته

ب) مقامی در خور حریم حضرت حق (ج) همه موارد

۴- چه عاملی مانع تحقق ازدواج بین پسران و دختران می شود؟

الف) فضای پدر شاهی یا مادر شاهی (ب) شرایط سخت دختران و پسران

ج) تقلید از دیگران و چشم و هم چشمی

۵- با واژه های داده شده جمله را کامل کنید؟ « آن نیرویی که موجب درک حقایق و و طراح سعادت و سلامت و در حیات انسان می باشد.....است»

الف) مدبر امور مثبت - پذیرش واقعیات - عقل (ب) پذیرش واقعیات - مدبر امور مثبت - عقل

ج) پذیرش واقعیات - عقل - مدبر امور مثبت

۶- واژه « طاب » در آیه شریفه { فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ } به چه چیزی اشاره می کند؟

الف) به زنان پاک (ب) زندگی پاک (ج) پاکی و پاکیزگی باطن

۷ - انسان، چه مرد و چه زن اگر با میل باطنی و فطری و هدایت عقل و نبوت و امامت، ربوبیت حق را بپذیرد به چه درجاتی نائل خواهد شد؟

الف) از افتادن در لجنزار بندگی طاغوت و هوای نفس در امان خواهد بود

ب) به مقامات عالیه ملکوتیه و عرشیه خواهد رسید

ج) همه موارد

۸ - این جمله را با واژه های داده شده کامل کنید؟

« آنان که دائم دیده دیگران دارند، و در آرزوی رسیدن به آن هستند. وجودشان دچار فراوان و بی پایان است. »

الف) به مال - حسادت - اندوه ب) به دنیای - حسرت - اندوه ج) به زندگی - حسرت - اندوه

۹ - این فرموده پیامبر را تکمیل نمائید:

« شوهر دادن دختر به مرد و آن پلید و پستی که از خودداری نمی کند اکیداً ممنوع است »

الف) شراب خوار - حرام الهی ب) هتاک و بد دهن - حرام

ج) همه موارد

۱۰ - نیاز شدید به ازدواج و از موانع آن چه گرفتاریهایی برای جوانان به وجود می آورد؟

الف) جوانان که سرمایه این مملکت است را تا خودکشی پیش می برد

ب) جوانان را سرخورده میکند ج) جوانان نسبت به ازدواج بی تفاوت می شوند

۱۱ - از جمله صفات مومن در قرآن مجید که انسان را مومن، قابل قبول نمایند کدامند؟

الف) خضوع در نماز - حفظ اندام شهوت از حرام - محافظت بر نماز

ب) پرهیز از اسراف به وقت انفاق - پرداخت زکات - احتراز از شهادت ناحق و زور ج) همه موارد

۱۲ - « بدترین همسر آن زنی است که ناموافق باشد » این حدیث از کدام معصوم است؟

الف) حضرت رسول (ص) ب) حضرت علی (ع) ج) حضرت صادق (ع)

۱۳ - وقتی که از پیامبر (ص) پرسیده شد که در قرآن از مردان ذکر خیر شده ولی برای زنان

نشده است کدام آیه نازل شد؟

الف) سوره نساء - آیه ۱۵ ب) سوره احزاب - آیه ۳۳ ج) سوره بقره - آیه ۲۳۲

۱۴ - پیامبر(ص) فرموده : « هر کس دختری داشته باشد که او را.....، و خوارش نکند ، و پسرش را بر وی ندهد ، خدا او را به بهشت می برد.»

الف) اذیت نسازد - مقدم ب) تباه نسازد - مقام ج) تباه نسازد - برتری

۱۵ - در مورد مرد و زن چه واقعیتی از نص صریح آیات الهی استفاده می شود؟

الف) در خلقت ظاهری و باطنی خود تجلی رحمانیت و رحیمیت و ربوبیت حضرت حقند

ب) زن در خلقت ظاهری تجلی ربوبیت خداوند است

ج) زن و مرد در خلقت باطنی مکمل همدیگری هستند

۱۶ - به فرمایش پیامبر(ص) : « زنی که همانند و آتش از پشتش وارد و از دهانش خارج می شد .

زنی بود..... مجالس عیش و عترت و آلوده به بیماری است.

الف) سگ بود - خواننده - غیبت ب) خواننده - مثل سگ در - حسادت

ج) سگ بود - خواننده - حسادت

۱۷ - « بترس از این که دختر به بدهی که اگر او را به چنین شوهر دهی گویا عقیقه را به داده ای» این جمله امام رضا(ع) را کامل کنید.

الف) تبهکار - بدنام - زنا ب) شرابخوار - تبهکار - زنا ج) مشرک -

گناهکار - زنا

۱۸ - بنا به فرمایش امام موسی بن جعفر (ع) کسی که قرض مومنی یا مسن بی زنی را زن دهد اجر او در قیامت چیست؟

الف) در قیامت خداوند سایه اش را بر سرش می گستراند

ب) در قیامت خداوند از او راضی باشد ج) نامه اعمالش را به دست راستش میدهند

۱۹ - پیامبر(ص) می فرماید: « زنی که سرش سر خوک و بدنش بدن خر و دچار یک میلیون

رشته عذاب بود، زنی است که..... می کرد ، و در غرق بوده.

الف) فسق و فجور - گناه ب) دو بهم زنی - دروغگویی ج) همه موارد

۲۶ - فرق تبعیض و تفاوت چیست؟ « تبعیض یعنی و تفاوت عبارتست از »

(الف) بی دلیل فرد یا افرادی را برتر به شمار آوردیم - از برتری شایستگان

(ب) کسی را بی جهت بزرگ میداریم - برتری شایستگان (ج) همه موارد

۲۷ - ترجمه صحیح حدیث امام صادق (ع) کدام است؟ « كَسَبُ الْحَرَامِ يَبِينُ فِي الذَّرِيَّةِ »

(الف) حرام در زندگی آشکار می گردد (ب) حرام در زندگی خانواده اثر می گذارد

(ج) آثار حرام در نسل آشکار می گردد

۲۸ - این حدیث از کدام معصوم است؟ « هر کس بی زنی را زن دهد ، خداوند در روز قیامت به او به دیده لطف و رحمت نظر می کند»

(الف) امام صادق(ع) (ب) امام محمد باقر(ع) (ج) امام موسی کاظم(ع)

۲۹ - چه کسی در دنیا و آخرت مورد غضب و لعنت خدا خواهد شد؟

(الف) هر کس قرار ازدواجی را برهم زند (ب) هر کس زن و مردی را از هم جدا سازد

(ج) الف و ب

۳۰ - این جمله را کامل کنید . « ازدواج باید همراه با..... و برای خدا باشد، و هدف از

آن باید اجرای.....باشد. »

(الف) نیت خالص - سنت پیامبر (ب) صمیمیت - سنت الهی (ج) همه موارد

۳۱ - این حدیث از کدام معصوم است؟ « أَلْكَفُو أَنْ يَكُونَ عَفِيفًا وَ عِنْدَهُ يَسَارٌ » .

(الف) پیامبر اکرم (ص) (ب) امام محمد باقر(ع) (ج) امام صادق(ع)

۳۲ - حدیث از کیست؟ « با هم کفو ازدواج کنید و آنان را برای بوجود آمدن فرزندان شایسته

به عقد خود در آورید » .

(الف) پیامبر اکرم(ص) (ب) امام علی(ع) (ج) امام سجاد(ع)

۳۳ - وظایف والدین در برابر فرزندان از دیدگاه پیامبر (ص) کدام است؟ (الف) نام نیک برایش

انتخاب کند (ب) جایگاه اجتماعی مناسب برایش مهیا کند (ج) الف و ب

۳۴ - « خود را میزان بین خود و دیگران قرار بده » از این روایت امیرالمومنین (ع) چه پیامی دریافت خواهیم کرد؟

الف) به مردم نیکی کن، چنانکه دوست داری به تو نیکی کنند

ب) برای خود قبیح بدان آنچه از دیگران قبیح میدانی (ج) همه موارد

۳۵ - خداوند در روز قیامت به چه کسانی نظر لطف می اندازد؟

الف) کسی که شب زنده داری می کند (ب) آنکه انسان بی زنی را زن دهد (ج) همه موارد

۳۶ - پیامبر اکرم (ص) برای هر کس در امر ازدواج هر قدمی که برداشته باشد یا کلمه ای گفته باشد چه اجر و مزدی فرموده است؟

الف) بهشت برین (ب) ثواب یک سال عبادت (ج) ثواب هزار حج مقبول

۳۷ - اگر دختر یا پسر مسلمانی با غیر مسلمانی ازدواج کنند و فرزند بوجود آید از نظر شارع مقدس چه حکمی دارد؟

الف) ازدواج باطل و حرام و فرزندان آنان زاده حرامند

ب) ازدواج حرام نیست و فرزندان حرامزاده اند (ج) اگر نمی دانند اشکال ندارد

۳۸ - این حدیث از کیست؟ « بدترین چیزها زن بد است »

الف) پیامبر اکرم (ص) (ب) حضرت علی (ع) (ج) امام صادق (ع)

۳۹ - ام سلیم که از زنان صدر اسلام و از خانواده اصیل و ریشه دار بود، مهر خود را چه چیزی تعیین کرد؟

الف) قرآن کریم (ب) مسلمان شدن جوانی که خواستگارش بود

ج) زیارت خانه کعبه از جوانی که خواستگارش بود.

۴۰ - جای خالی این جمله را با واژه مناسب تکمیل کنید؟

« از بپرهیز که نور را می برد و تو را می سازد . »

الف) مزاح - چشم - خوار (ب) مزاح - ایمان - خوار (ج) مزاح - ایمان - سبک



در محیط اسلامی، زن و شوهر با هم هستند، متعلق به هم هستند، در مقابل هم مسئول هستند، در مقابل فرزندان مسئول هستند و در برابر محیط خانواده مسئولند. در محیط های اسلامی، کانون خانواده چنان مستحکم و پابرجاست که گاهی پس از دو نسل نیز هنوز پدر بزرگ و پدر و نوه در یک خانه با هم زندگی می کنند. در جوامع اسلامی، یعنی جوامع دین دار و خدا باور که دو نفر آدم برای مدت طولانی با هم زندگی می کنند و هیچ گاه از هم سیر نمی شوند، بلکه دل بستگی شان و انس و محبت و وفایشان به همدیگر بیشتر می شود؛ این، همان خاصیت دین داری و مذهبی بودن و خواسته های خدایی را رعایت کردن است.

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)